

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرین معروفی

۲۲ می ۲۰۱۹

جاسوس، جاسوس است؛ جاسوس روس و جاسوس امریکا ندارد!

خوانندگان گرانقدر!

در یکی دو روز گذشته از طریق سایتهای اینترنتی به نوشته های نویسندگانی برخوردیم که در همان ابتداء تجاوز امریکا و ناتو و اشغال خونین برافغانستان و به قدرت رساندن "کرزی" را به حیث رئیس اداره دست نشانده مورد تأیید قرار داده و با دیده درائی از وطنفروشی مانند "کرزی" پشتیبانی می کردند و اشغال کشور ما را توسط کشور های امپریالیستی یک "فرصت" دانسته باعث پیشرفت و ترقی قلمداد می کردند. ولی امروز همان نویسنده ها شروع به مذمت و بدگویی "کرزی" کرده و در مقابل از خاین دیگری یعنی از "اشرف غنی" توصیف نموده وی را بانی پیشرفت و ترقی زیر بنای اقتصادی کشور می دانند و در وجود وی خود را امیدوار به یک آینده روشن افغانستان می دانند.

حدود هژده سال است که افغانستان در آتش جنگ وحشیانه امپریالیستی و ارتجاعی می سوزد به خصوص در شرایط فعلی که بر مبنای تجربه ملموس روزمره همه ما روزانه ده ها و صدها انسان ستمدیده این سرزمین به خاک و خون کشیده می شوند و با استناد به گفته شخص این مزدور حقیر امپریالیسم امریکا، ظرف ۵ سال گذشته تنها ۴۵ هزار از نیروهای امنیتی افغانستان به قتل رسید، همچنان ده ها مصیبت خانمانسوز دیگر و محرومیت های اجتماعی که استعمارگران با وطنفروشان می مانند "غنی" به ارمغان آورده اند، به سر می بریم.

با پذیرش و تمکین به این حقیقت، که نویسندگان هم حق دارند و می باید این ظرفیت را در خود پرورش دهند تا به مانند هر انسان سالم دیگری، ضمن آن که در مورد وقایع می نویسند و در مورد افراد قضاوت می نمایند، نظرات شان را تغییر دهند و اصلاح نمایند، مگر این نکته را هم می باید به خاطر داشته باشند که خوانندگان نه به فراموشی جمعی دچار شده اند و نه هم شعور شان را از دست داده اند، تا کسی از آنها راجع به تغییر عقیده و اصلاح طرز دید شان چیزی نپرسد، در نتیجه وقتی می خواهند خلاف قضاوت و احکام دیروز شان چیزی بنگارند، در گام نخست موظف اند تا بستر تغییر فکری خود را بر مبنای عملکرد فرد مورد نظر با خوانندگان در میان گذارند.

از آن جایی که در "کرزی" کدام تغییری نیامده و به مانند دیروز انسانیت خاین و نوکر استعمار، فکر می کنم که تغییر دید و نظر نویسندگانی از چنین قماش نسبت به "کرزی" به خاطر نیست که این خاین بعد از این که دوران خیانت علنی اش به پایان رسید حتا این خاین و وطنفروش به خاطر فریب مردم حاضر شد بگوید که افغانستان مورد

تجاوز قرار گرفته، معلوم می شود که نویسندگان با نظر ظاهری "کرزی" نیز موافق نیست و حالا شروع به بدگویی و مذمت کرزی نموده است و در عوض توصیف "غنی" قوم پرست، تفرقه افکن و دشمن اتحاد مردم با مواضع ضد ملی اش را شب و روز نشخوار می نمایند.

اگر ما دقیق به عمق قضایای حدود هژده سال تجاوز به کشور بپردازیم، امپریالیسم امریکا فقط مهره ها را تبدیل کرده یعنی یکی را به جای دیگری قرار داده است ولی هیچ تغییری در اوضاع سیاسی و اهداف شوم امریکا در کشور ما به وجود نیامده است که نویسندگان بتوانند دلایل خود را نسبت به پشتیبانی از یکی و مذمت از دیگری توجیه کنند.

طوری که به همه معلوم است، امروز در افغانستان ثبات سیاسی وجود ندارد تا کسی بخواهد از فرصت استفاده کند و آن را تخریب نماید. از سال ۲۰۰۱ تا به امروز حاکمیت و قوانین و تصامیم استعمار، مدار اعتبار است و در تمام شؤون زندگانی و پیشبرد کارهای روزمره دولت عملی و تطبیق می شود. طوری که دیده می شود هستند انسانهای بی شعوری که هنوز هم نتوانسته اند درک بکنند که قانون در افغانستان اشغال شده قانون استعمار است که طبق ارزشهای استعماری عملی می شود. یعنی با وجودی که در ظاهر امر رئیس اداره دست نشانده انتخاب و به رسمیت شناخته می شود اما در واقعیت امر تمام مسائل سیاسی، اقتصادی و دفاعی و همچنان روابط دیپلماتیک افغانستان با دیگر کشورها را امپریالیسم امریکا تعیین می کند، لذا توصیف از مهره های دست نشانده در حقیقت خود را مسخره ساختن و توهین به فهم و درک سیاسی امروزی مردم ماست.

امروز اکثریت مردم به خصوص نسل جوان افغانستان می دانند که نه "کرزی" و نه هم "غنی" و نه هم فرد دیگری از همان قماش، حق حاکمیت را داشته و دارند و نه هم صلاحیت و توانایی انجام کاری را. این که بعضی از کاندید های ریاست جمهوری خواهان برطرفی "اشرف غنی" از کرسی ریاست جمهوری تا انتخابات جدید هستند و این که ادعای شان جنبه قانونی دارد و یا ندارد اصلاً مهم نیست، قانون در افغانستان قانون استعمار است، همانطوری که استعمار طبق قانون خود، زمان ریاست جمهوری "کرزی" را تمدید کرد، باز هم اگر تصمیم داشته باشد به یقین که زمان ریاست جمهوری "غنی" را نیز تمدید خواهد کرد. در نتیجه هیچ یک از آنها قادر نبوده و نیستند تا خلاف امیال و تصامیم بادران خود عمل نمایند. دو رئیس جمهور نالایق و بی کفایت و ضد زحمتکشانشان افغانستان.

متأسفانه نمی دانم که درک و شعور انسانهایی که از ثبات سیاسی در افغانستان قلم فرسایی می کنند از کدام منبع سرچشمه می گیرد. در حالی که اگر ما عملکرد، شعور و ماهیت ضد انسانی دو وطنفروش و دیگر خابینانی که حامیان "اشرف غنی" از آنها نام برده اند مانند "نور الحق علومی" و "حنیف اتمر" با سوابق وابستگی و جاسوسی آنها به اتحاد شوروی متوفا که به زور پول و خودفروختگی می خواهند قدرت را در آینده به دست داشته باشند و از "حامد کرزی" به حیث تفرقه افکن که با آتش افروزی فعالیت خود را پیش می برد، اگر قرار باشد عملکرد هر کدام را بررسی کنیم باید کتابها در مورد نوشت؛ مگر در این نوشته به صراحت می توانم بگویم که "سگ زرد برادر شغال" و همه اینها عمر ننگین خود را در پای کشور های امپریالیستی و ارتجاع سپری نموده و می نمایند و همه به حیث مزدوران بی وجدان و بی شرم و بی حیاء که خدمت به امپریالیستها را بخشی از وجدان خود ساخته اند و هر کدام سعی به خرج می دهند تا چند صباحی دیگر با زرنگی مزدورمنشانه شان غرض تأمین منافع خود و اهداف مغرضانه استعمارگران به زندگانی نگهتبارشان ادامه دهند.

هیچ کدام شان مصدر خدمت به خلق ستمدیده افغانستان نشده و نمی شوند جز این که بگویم حدود هژده سال است که افغانستان را به لجنزار تبدیل کرده اند. پس شرکت آنها در قدرت از ابتدای تجاوز تا به امروز در حقیقت خیانت به وطن و مردم است.

آنچه امروز در افغانستان می گذرد در طول تاریخ کشور ما بی سابقه است. امروز با تفرقه افگنی قومی و زبانی توسط "غنی" و باندش افغانستان را به طرف شئونیزم تبارگرایانه و تجزیه سوق می دهند تا اقوام به جان برابر افغانستان در تقابل با یک دیگر قرار بگیرند که این خود باعث عدم اتحاد و همبستگی آنها می گردد، در حالی که مردم در زمان اداره "کرزی" هیچ گاه حس برتری قومی و زبانی را احساس نمی کردند و در اداره "کرزی" همه اقوام تقریباً مساویانه شرکت داشتند مگر خیانت "غنی" نسبت به اقوام افغانستان چه در وزارتخانه ها و دفاتر و چه هم در پارلمان کاملاً محسوس است. طوری که از گزارشات اخیر انتخابات رئیس پارلمان معلوم می شود که به شکلی از اشکال می خواهند تا انتخابات را به نفع کاندید "غنی" خلط نمایند و از انتخاب به اصطلاح قانونی فرد منتخب خود داری کنند.

پس نباید نویسندگان در صدد شوند تا اذهان مردم را نسبت به تجاوز بر افغانستان و حاکمیت استعمار امریکا و مهره های دستنشانده اش که امروز مثل آفتاب روشن است با بیان تعریف و توصیف از یکی و بدگوئی و مذمت از دیگری مغشوش بسازند و به خائنان و فساد پیشگانی مانند "کرزی" و "غنی" و یا هم "عبدالله" و بقیه آبرو و یا بی آبرویی قایل شوند. از دید من برخوردی از نوع برخورد چنین نویسندگانی نسبت به عملکرد "کرزی" و "غنی" باید با قضایا و اوضاعی که در کشور ما جریان داشته و دارد، متناسب باشد. در حالی که امروز اکثر افغانهای ما بیدار شده اند و می دانند که کشور شان مورد تجاوز قرار گرفته و خود شاهد اعمال این دو خاین بوده و هستند پس تعریف و توصیف برخوردیست غیر مسئولانه و خاینانه و ضد قضاوت اکثریت مردم ما. پس باید تأکید کرد که فقط با ارتقای شعور سیاسی است که می توان با دید و درک قضایای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در افغانستان به تعریف و توصیف و یا مذمت و بدگوئی خاینین پرداخت.

ما می باید یاد بگیریم و بپذیریم که خیانت خیانت است از جانب هرکسی که صورت گرفته باشد، جاسوسی و وطنفروشی، جاسوسی و وطنروشی است از جانب هر کسی و به هر دربی که باشد. به همان اندازه که خیانت و جاسوسی خلق و پرچم، ننگین و مایه مذمت و بدگوئی است، خیانت و جاسوسی افرادی از قماش "کرزی"، "غنی" و سایر کسانی که حلقه بردگی "سیا" را بر گردن آویخته اند، نیز ننگین، زشت و مایه مذمت و تقبیح است. جاسوس، جاسوس است؛ جاسوس روس و جاسوس امریکا ندارد، نمی شود یکی را بد گفت و دیگری را تقدیس کرد و زبوانه گفت "همی کرزیه چیزی نگوئید". نویسندگانی که این دیوار را یک طرفه کاه گل می کنند، چه بخواهند و چه هم نخواهند نزد تاریخ و نزد انسانهای آگاه جامعه خود نیز در قطار وطنفروشان و خائنان و جواسیس قرار می گیرند.